

بررسی سنجشی تقابل شهر و روستا در شعر محمدرضا عبدالملکیان و احمد عبدالمعطی حجازی

۱. صابره سیاوشی*، ۲. صغری میرسالاری

۱- استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲)

چکیده

«شهر» و «روستا» از دیرباز دو پدیده متقابل بوده‌اند که تجربه زندگی در هر دوی آن‌ها دغدغه‌های فکری، روحی و اجتماعی زیادی به همراه داشته‌است. این تقابل و به تبع آن، تأثیرهای روحی ناشی از زندگی در این دو مکان، همواره در شعر شاعران وجود داشته‌است. در نگاه بیشتر آنان، «شهر» با وجود همه ویژگی‌های مثبت خود نماد تنهایی، تاریکی و تشویش، و در مقابل آن، «روستا» به سبب همه خوبی‌هایش، نماد سادگی، صمیمیت و پاکی است. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی تطبیقی شهرگرایی و روستاگرایی در شعر دو شاعر معاصر ایرانی و مصری محمدرضا عبدالملکیان و احمد عبدالمعطی حجازی، از طریق مراجعه مستقیم به دفترهای شعری این دو شاعر و با استناد به مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی پرداخته‌است. نتایج گویای این است که هر دو شاعر با وجود زندگی در شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی کاملاً متفاوت، حالات و اندیشه‌های مشترکی همچون حسرت بر گذشته، بازگشت به روستا و نفرت از شهرنشینی را تجربه کرده‌اند. تفاوتی که در شیوه بیان احساس دو شاعر نسبت به روستا دیده می‌شود، اینکه بیشتر اشعار حجازی بر مدار حسرت بر گذشته و صمیمیت حاکم بر روستا می‌گردد و روایت زندگی فردی و تجربیات شخصی خود اوست، حال آنکه نگاه عبدالملکیان، نگاهی کلی و همراه با اشتیاق در عین دوری از حسرت نسبت به روستاست که برای هر مخاطبی ملموس و درک‌شدنی است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، شعر معاصر پارسی و عربی، شهرگرایی، روستاگرایی، محمدرضا عبدالملکیان، احمد عبدالمعطی حجازی.

* E-mail: saberehsivashi@yahoo.com (نویسنده مسئول)